

## اخلاق در شبکه‌های اجتماعی دیجیتال: دفاع از اخلاق فضیلت

محمدامین برادران نیکو\*

آرش موسوی\*\*

### چکیده

شبکه‌های اجتماعی جدید<sup>۱</sup> (SNS) دنیای نو و متفاوتی از ارتباطات و تعاملات بشری را برای ما خلق کرده‌اند. فیس بوک، توئیتر، لینکداین، وایبر، تلگرام، واتس آپ و سایر اعضای پرشمار این خانواده در حال رشد با سرعت زیاد در حال تبدیل شدن به یکی از زیرساخت‌های فناورانه اصلی و بعضاً اجتناب ناپذیر در زندگی و فعالیت اجتماعی ما هستند. در کنار بهره بردن از کاربردهای فراوان و تسهیلاتی که این فناوری برای ما فراهم آورده، در حکم محققان فلسفه اخلاق لازم است تا در جریان نوظهور نقادی و ارزیابی فلسفی این شبکه‌ها سهم خود را ایفا کنیم. در این راستا، با سه چارچوب نظری رایج در فلسفه اخلاق روبه‌رو هستیم: اخلاق پیامدگرا، اخلاق وظیفه‌گرا و اخلاق فضیلت‌گرا. اگرچه هر کدام از این سه دیدگاه جایگاه خاص خود را در مباحث فلسفه اخلاق دارد اما در ارتباط با ارزیابی شبکه‌های اجتماعی مهم‌ترین تحلیل‌ها تاکنون از جانب فضیلت‌گرایان، مانند شنون والر<sup>۲</sup> و چارلز اس،<sup>۳</sup> ارائه شده است. در این مقاله از چارچوب نظری اخلاق فضیلت جهت ارزیابی SNS دفاع می‌کنیم. سپس، دیدگاه والر و نقاط قوت و ضعف آن را واکاوی خواهیم کرد. در انتها برای تحقیق بومی در خصوص نسبت شبکه‌های اجتماعی با شیوه زندگی ایرانی - اسلامی چارچوب اولیه‌ای پیشنهاد می‌کنیم.

### واژگان کلیدی

فلسفه فناوری، اخلاق فناوری، شبکه‌های اجتماعی، اخلاق فضیلت.

baradaran.nikou@gmail.com

\*. مدرس گروه فلسفه دانشگاه حکیم سبزواری.

\*\* .استادیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۳

1. Social Networking Services.

2. Shanon Vallor.

3. Charles Ess.

### طرح مسئله

شبکه‌های اجتماعی جدید، شامل لینکدین، تویتر، مای اسپیس، فیس بوک، انواع روابط حرفه‌ای، تجاری، دوستی و خانوادگی را تسهیل کرده‌اند. همچنین، برنامه‌های چند سکویی پیام‌رسانی مانند تلگرام، واتساپ، و وایبر، به جهت قابلیت اجرا روی گوشی‌های هوشمند و دسترس‌پذیری گسترده، سهولت در روابط را چندین برابر نموده‌اند. گسترش روابط اجتماعی، مسائل اخلاقی مرتبط با آن را افزایش و حتی تغییر داده است. یک پرسش فرا اخلاقی در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی این است که آیا رویکردهای کلاسیک اخلاقی مانند اخلاق وظیفه‌گرا، نتیجه‌گرا و فضیلت‌گرا همچنان می‌توانند برای تحلیل اخلاقی این نوع از ارتباطات بشری به کار آیند؛ یا در این زمینه نو، به نظریه‌های اخلاقی جدید نیاز داریم.

در این راستا، برخی از فیلسوفان معاصر توسعه چارچوب اخلاقی جدیدی را پیشنهاد می‌کنند. به‌عنوان مثال اس (2006) معتقد است که «اخلاق اطلاعاتی جهانی» کثرت‌گرایانه می‌تواند زمینه اخلاقی مناسبی برای فناوری اطلاعات نوظهور باشد. برخی دیگر معتقدند جهت ارزیابی فناوری‌هایی مانند SNS لازم است تا دیدگاه‌های موجود بازخوانی شود و تفسیر تازه‌ای از نحله‌هایی همچون پراگماتیسم اخلاقی، اخلاق فمینیستی و اخلاق فضیلت‌گرا ارائه گردد. ون دین اد<sup>۱</sup> (2010) با خوانش جدیدی از پراگماتیسم، مبتنی بر آرای رورتی، نشان می‌دهد در رویارویی با SNS به دلیل کاربرد مکالمه‌ای آنها می‌توان در دو سوی امیدواری به فناوری‌های نوین و وا همه از آنها به دیدگاه میانه‌ای رسید. همینگتون<sup>۲</sup> (2010) نیز شبکه اجتماعی فیس بوک را با خوانش تازه‌ای از اخلاق فمینیستی تحلیل می‌کند. والر (2010) نشان می‌دهد به دلیل وجود ویژگی‌های منحصر به فرد در اخلاق فضیلت لازم است برای ارزیابی شبکه‌های اجتماعی، چارچوب اصلی این دیدگاه اخلاقی حفظ شود و سپس در هماهنگی با نیازهای امروزی توسعه یابد.

بحث‌های مرتبط با اخلاق فناوری اطلاعات در داخل کشور، عمدتاً، به‌طور مستقیم به اخلاق شبکه‌های اجتماعی نپرداخته‌اند. به‌طور مثال، شهریاری (۱۳۸۵)، اخلاق فناوری اطلاعات را بحثی میان رشته‌ای می‌داند که به سؤالاتی مربوط به بنیان‌های ارزشی افعال و مسئولیت‌های افراد در حوزه فناوری اطلاعات پاسخ می‌دهد: «متخصصان امور رایانه چه مسئولیت‌های اخلاقی دارند؟»، «اگر یک نرم افزار خطا کند چه کسی را باید سرزنش نمود؟» وی متذکر می‌شود نقض حریم خصوصی از مهم‌ترین خطرهای فناوری اطلاعات است. شهریاری (۱۳۸۸) به کلیات اخلاق رایانه می‌پردازد و مسائل دیگری در این رابطه را عنوان می‌کند: مسائل امنیت (مسائل مربوط به ویروس‌ها و هکرها)، مسائل مالکیت نرم‌افزار (آیا تملک شخصی نرم‌افزار برای عده خاصی اخلاقی است؟)

1. Van den Eede
2. Maurice Hamington

ثقة الاسلامی (۱۳۹۳) فرا پرسشی ناظر به حوزه اخلاق فناوری اطلاعات طرح می‌نماید: اتخاذ رهیافت فلسفی چه تأثیری بر اخلاق فناوری اطلاعات می‌گذارد؟ وی معتقد است اگر رهیافت موجبیت‌گرایی اجتماعی لحاظ شود، عنوان «اخلاق فناوری اطلاعات» متمایز از اخلاق متعارف اجتماعی نیست، و اگر رهیافت موجبیت‌گرایی فناورانه سخت پذیرفته شود، بحث «اخلاق فناوری اطلاعات» منتفی است. مبتنی بر قرائت نرم از موجبیت‌گرایی فناورانه، می‌توان وظیفه «پیش‌بینی و تحلیل آثار فناوری اطلاعات بر نهادها، مناسبات و فعالیت‌های انسانی» را به عهده «اخلاق فناوری اطلاعات» گذاشت. ثقة الاسلامی (۱۳۸۸)، با تأثیر از آرای گورنیاک و فلوریدی درباره اخلاق رایانه و اخلاق اطلاعات، اخلاق اطلاعات را از سه دیدگاه فلسفی، حرفه‌ای، و توصیفی بررسی می‌کند و دیدگاه‌های مذکور در این حوزه را طبقه‌بندی و رشته‌های تخصصی مورد مشارکت، و روش تحلیل موضوعات در هر طبقه از مسائل مذکور را گردآوری و تبیین می‌نماید. همچنین، شقاقی (۱۳۹۴) دیدگاه فلوریدی درباره اخلاق اطلاعات را شرح می‌دهد. وی پس از معرفی محورهای اصلی دیدگاه فلوریدی نقدهایی را بر موارد زیر وارد می‌کند: توجه به سیستم‌های اطلاعاتی به‌عنوان عاملان اخلاقی، جابه‌جایی کنشگر اخلاقی به کنش‌پذیر اخلاقی، برتری یافتن «عاملان سازنده» بر «عاملان استفاده‌کننده».

همان‌طور که دیده می‌شود این موارد بحث‌های کلی در حوزه اخلاق فناوری اطلاعات را مطرح کرده و به‌طور مستقیم به اخلاق شبکه‌های اجتماعی ورود نداشته‌اند.

مقاله حاضر در متن و زمینه مطالعات جهانی در خصوص اخلاق شبکه‌های اجتماعی از اتخاذ رویکرد فضیلت‌گرایی در برابر سایر نظریه‌ها دفاع می‌کند. استدلال خواهیم کرد که اخلاق فضیلت به دلیل برخی خصیصه‌های ذاتی‌اش برای ارزیابی اخلاقی شبکه‌های اجتماعی مناسب است. همچنین، اخلاق فضیلت با شرایط بومی ما و نظام اخلاقیات جامعه ما سازگاری بیشتری دارد. به همین جهت طرح پیشنهادی والر را براساس فضیلت‌های مد نظر وی معرفی و نقد می‌کنیم و در پایان سعی می‌کنیم تا چارچوب اولیه‌ای، براساس اخلاق فضیلت، برای مطالعه بومی اخلاق شبکه‌های اجتماعی ارائه دهیم.

#### اخلاق فضیلت: چارچوب نظری مناسب در تحلیل شبکه‌های اجتماعی

در این بخش با شمردن برخی ویژگی‌های اخلاق فضیلت، مناسبات میان آن و شبکه‌های اجتماعی جدید را، به کمک آرای والر و برخی دلایل افزون بر آن بیان می‌کنیم.

##### ۱. دفاع والر از اخلاق فضیلت

والر (2010) معتقد است چارچوب اخلاقی مناسب برای ارزیابی شبکه‌های اجتماعی جدید، اخلاق

فضیلت است. دلایل وی را در اینجا مرور می‌کنیم:

**دلیل اول:** تحول سریع شبکه‌های اجتماعی سبب می‌شود، پژوهش‌های اخلاقی، به جای چند موضوع ثابت، با مسائل متغیر و گوناگونی روبه‌رو شوند. بنابراین دیدگاه اخلاقی مناسب باید انعطاف‌پذیری لازم را داشته باشد. اخلاق فضیلت از چنین پویایی و انعطافی برخوردار است. (Vallor, 2010: 158)

دو مفهوم فضیلت<sup>۱</sup> و حکمت عملی<sup>۲</sup> اخلاق فضیلت را به میزان کافی انعطاف‌پذیر کرده است. فضایل ویژگی‌هایی هستند که بر اثر تکرار اعمال و عادات در انسان به وجود می‌آیند. این ویژگی‌ها سبب می‌شود تا شخص انگیزه لازم و در نتیجه تمایل کافی برای انجام عملی در شرایط خاص را داشته باشد. مثلاً، در موقعیتی خاص، انسان شجاع انگیزه‌ها و تمایلاتی غیر از انسان ترسو دارد.

والر معتقد است ارزیابی اخلاقی افراد تنها بررسی باورها و احساسات آنها نخواهد بود، بلکه باید بدانیم چه نوع اعمالی را بر اثر عادت انجام می‌دهند و این اعمال چه تأثیری بر فضایل ایشان می‌گذرانند. شبکه‌های اجتماعی، ضمن تأثیر در تغییر الگوهای فعالیت افراد، فضایل و تمایلات متفاوتی در انسان ایجاد می‌کند و این امر موقعیت اخلاقی فرد را تغییر می‌دهد. چنین تغییر موقعیتی در افراد تنها با رویکرد اخلاق فضیلت قابل بررسی است. (ibid: 158-159)

مطابق با اخلاق فضیلت، داشتن فضیلت، به تنهایی، نمی‌تواند عامل فعل اخلاقی باشد؛ بلکه باید حکمت عملی نیز مسیر درست انجام کار را تشخیص دهد. این توانایی، برخلاف عقل نظری، ناظر بر امور کلی و ضروری نیست. ارسطو موضوع حکمت عملی را امور جزئی و تغییرپذیر می‌داند (۱۱۰۴ الف ۱۱ - ۱) بنابراین، اخلاق فضیلت، در مقام معرفت‌شناسی، این امکان را فراهم می‌کند تا فرد فعل درست را در موقعیت‌های خاص تشخیص دهد و از صدور احکام کلی پرهیز کند. شخص دارای فضیلت معین (مثلاً گشاده‌دستی) در دو موقعیت متفاوت، ممکن است دو فعل متفاوت را انجام دهد. به‌عنوان نمونه خوش‌رویی در شرایطی می‌تواند بیان لطیفه و در شرایطی بیان نکردن آن باشد و تشخیص درستی یکی از این دو فعل، بسته به شرایط، توسط حکمت عملی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، قوه حکمت عملی کمک می‌کند اخلاق فضیلت در مقام معرفت‌شناسی نیز انعطاف‌پذیر باشد.

سبک جدید ارتباطات از طریق ارسال عکس یا ویدئو، تعیین موقعیت (بر اساس GPS)، و یا ارسال استیکر برای بیان احساسات به‌طور حتم دامنه و تنوع مسائل اخلاقی را گسترده می‌سازد (Feenberg, 1999: 108)

از این‌رو شخص در مواجهه با این مسائل نوظهور، پیچیده و تغییرپذیر حاصل از فناوری شبکه‌های اجتماعی اولاً توسط تمایلات ناشی از فضایل و ثانیاً به کمک حکمت عملی بهترین راه حل اخلاقی را

1. Virtue  
2. Phronesis

انتخاب می‌کند. (Vallor, 2010: 159)<sup>۱</sup>

**دلیل دوم:** ارزیابی مبتنی بر اخلاق فضیلت این امکان را به ما می‌دهد تا از برخی انحرافات در نتایج پژوهش‌های تجربی آگاه شویم و آنها را تصحیح کنیم.

والر در ارزیابی پژوهش‌های تجربی حول شبکه‌های اجتماعی جدید هشدار می‌دهد که اندازه‌گیری‌های عینی و مشاهدتی آنها به‌طور افراطی نتایج سودگرایانه‌ای در اخلاق شبکه‌های اجتماعی به همراه دارد. در اکثر پژوهش‌های تجربی، معیارهایی شامل «خوبی‌های روان‌شناختی»،<sup>۲</sup> مثلاً «شادمانی»،<sup>۳</sup> حول مفهوم رضایت از زندگی محاسبه می‌گردد. با تکیه بر اخلاق فضیلت خطای چنین پژوهش‌هایی آشکار می‌شود. قول رایج در میان نظریه پردازان اخلاق این است که مفهوم ارسطویی «شکوفایی انسان»<sup>۴</sup> معادل «رضایت از زندگی» یا احساس مطلوب احترام به نفس نیست. درحالی‌که اکثر محققین از چنین متغیرهایی برای بررسی تأثیر اینترنت بر میزان زندگی خوب کاربران استفاده کرده‌اند. اکثر پژوهش‌ها، ضمن آمارگیری از کاربران اینترنت، میزان رضایت از زندگی را بر حسب روابط آنلاین (تعداد، طول زمان، و صمیمیت) محاسبه می‌کنند و چون میزان جذب کاربران و رضایت آنها از شبکه‌های اجتماعی بالا است، نتایج امیدوارکننده‌ای را به نفع شبکه‌های اجتماعی به دست می‌آورند. خطای این اندازه‌گیری از آنجا ناشی می‌شود که پژوهش‌های مذکور ناظر بر تغییرات واقعی تمایل‌های کاربر نیست؛ بلکه بر ادراکات، احساسات و باورهای فرد متکی است. آنها هنوز توضیح نمی‌دهند که چگونه این عوامل با میزان اخلاقی فعالیت‌های آنلاین نسبت پیدا می‌کنند. بنابراین این دسته از پژوهش‌های تجربی تنها بخشی از داستان (نه تمام آن) را روایت می‌کنند. (ibid: 163)

در ایران نیز پژوهش‌هایی سعی داشته‌اند تا عوامل جذب کاربران به شبکه‌های اجتماعی را نشان دهند. به‌عنوان نمونه، حکیم آراء و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند متغیرهای «سهولت و سادگی استفاده از شبکه‌ها»، «احساس لذت بردن»، و «احساس سودمندی از شبکه‌های اجتماعی» در رابطه علی با میزان جذب کاربران ایرانی قرار دارند. بنابراین اگر تمام متغیرهای «سهولت استفاده از شبکه‌ها»، «احساس لذت» و «احساس سودمندی» را تحت مفهوم کلی رضایتمندی قرار دهیم، این پژوهش نشان می‌دهد علت جذب کاربران به شبکه‌های اجتماعی جدید افزایش رضایت از زندگی است. این نتیجه توصیفی

۱ ممکن است از استدلال‌های والر جهت نشان دادن انعطاف‌پذیری اخلاق فضیلت نوعی پلورالیسم اخلاقی را نتیجه بگیریم. پلورالیسم اخلاقی از نقدهای رایج بر اخلاق فضیلت به حساب می‌آید، اما نوسبوم ادعا می‌کند که فضایل خودشان به فرهنگ وابسته نیستند؛ لذا نمی‌توان از اخلاق فضیلت به پلورالیسم اخلاقی رسید. (Hursthouse, 2009)

2. Psychosocial well-being.

3. Happiness.

4. Human Flourishing.

می‌تواند قابل قبول باشد، اما مشکل آنجا به وجود می‌آید که از این امر توصیفی به یک نتیجه هنجاری برسیم: بهتر است از شبکه‌های اجتماعی در زندگی خود استفاده کنیم. مطابق اخلاق فضیلت احساس لذت بردن یا احساس سودمندی نمی‌تواند حکم هنجاری ایجاد کند؛ زیرا مفهوم کلیدی که در اخلاق فضیلت بار هنجاری دارد، مفهوم ائودایمونیا<sup>۱</sup> یا شکوفایی انسان است. ائودایمونیا، مطابق با ارسطو، هرگز تابعی از لذت و سودمندی نیست. از سوی دیگر، همین متغیرها در چارچوب پیامدگرایی می‌توانند بُعد هنجاری داشته باشند؛ زیرا افزایش لذت، سهولت، و سودمندی پیامدهای مناسبی برای انجام یک فعل به حساب می‌آید. در نتیجه احساس خشنودی و رضایتمندی از زندگی کاربران که در پژوهش‌های تجربی نمایان شده تنها از منظر سودگرایی قابل توجیه است و هرگز نمی‌تواند با معیار فضیلت‌گرا زندگی اخلاقی را توجیه کند.

**دلیل سوم:** اخلاق فضیلت امکان گفتمان میان - فرهنگی<sup>۲</sup> را در حوزه فناوری اطلاعات<sup>۳</sup> فراهم می‌کند. با توجه به بعد میان - فرهنگی فناوری اطلاعات، به نظام اخلاقی نیاز است که گفتمان میان ارزش‌های متفاوت فرهنگی را ممکن سازد. فرد صاحب فضیلت و عاقل در شرایط متفاوت ممکن است کنش‌های متفاوتی از خود نشان دهد؛ اما جامعه اخلاقی با توسل به شکوفایی انسان می‌تواند حکم اخلاقی صادر کند. غایت فضایل اخلاقی رساندن انسان به شکوفایی است و همین شکوفایی معیار نهایی برای گفتمان خواهد شد. (Vallor, 2010: 162)

اجازه دهید کمی درباره ایده والر توضیح دهیم. دو جامعه الف و ب به لحاظ فرهنگی متفاوت هستند. در جامعه الف قیود خاصی برای پوشش زنان وجود ندارد؛ درحالی که در جامعه ب پوشش زنان محدود و دارای ضوابط خاصی است. اشتراک عکس بدون پوشش فرد در شبکه‌های اجتماعی را «فعل ج» می‌نامیم. مسئله این است که فعل «ج» در جامعه الف درست، و در جامعه ب، نادرست به حساب می‌آید. فضیلت‌گرا، در ابتدا، بررسی می‌کند فرد براساس فضیلت خاصی عکس را به اشتراک گذاشته است؟ همچنین، آیا اشتراک عکس انتخاب درستی برای بالفعل کردن فضیلت مدنظر است؟ فرض کنید فرد در جامعه الف براساس مهربانی تصمیم گرفته است عکس‌های مسافرت خود (با هر پوششی) را با دیگر دوستان به اشتراک بگذارد تا آنها را نیز در شادی خود شریک کند. از طرف دیگر فرد در جامعه ب با توجه به شرایط فرهنگی خود نمی‌پذیرد که اشتراک چنین عکس‌هایی سبب افزایش شادی دوستان شود؛ حتی ممکن است چنین عکس‌هایی اختلافات خانوادگی نیز ایجاد کند. بنابراین فرد مهربان در جامعه ب، برای شادی دیگران، چنین کنشی را انتخاب نمی‌کند. انتخاب کنش، در اخلاق فضیلت، به عهده حکمت

1. Eudaimonia.
2. Intercultural.
3. Information Technology (IT).

عملی است. عقلی که ناظر بر امور جزئی و شرایط عینی است و بر زمینه عمل حساس است. البته تا اینجا هنوز امکان گفتن میان فرهنگی میان این دو جامعه وجود ندارد. هیچ کدام از دو جامعه الف و ب نمی‌توانند دیگری را توجیه کنند که «فعل ج» درست یا نادرست است. اما ارسطو مفهوم دیگری را به نام «شکوفایی انسان» عنوان می‌کند. تمام فضایل و انتخاب‌هایی که توسط حکمت عملی صورت می‌گیرد زمانی خیر به حساب می‌آیند که انسان را به شکوفایی برسانند. اگرچه، فضایل می‌توانند، در شرایط فرهنگی متفاوت، به شیوه‌های متمایز بالفعل شوند، اما سؤال پایانی اخلاق فضیلت این است که این افعال جزئی در نهایت، انسان را به شکوفایی می‌رسانند؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند معیاری برای گفتن میان فرهنگی ایجاد کند و هر دو جامعه از موضع خود دفاع کنند.

به‌طور خلاصه، والر با دلایل مذکور نشان می‌دهد اخلاق فضیلت اولاً برای ارزیابی شبکه‌های اجتماعی مناسب است و ثانیاً برخی مسائل و مشکلات را نیز می‌تواند به خوبی حل کند.

## ۲. دفاع ما از اخلاق فضیلت

با توجه به اینکه دلایل والر بسیار موجز و بیشتر به‌عنوان یک طرح کلی ارائه شده است، در این بخش سعی می‌کنیم تا با ذکر شواهد بیشتر از یک طرف برخی دلایل وی را تقویت کنیم و از طرف دیگر دلایل خود را در دفاع از اخلاق فضیلت بیان کنیم. برخی ویژگی‌های منحصر به فرد در اخلاق فضیلت سبب می‌شود تا این نظام اخلاقی را در ارزیابی شبکه‌های اجتماعی جدید به کار ببریم. این دلایل که از چشم والر به دور مانده است، عبارت‌اند از:

### یک. اهمیت جنبه اجتماعی انسان برای رسیدن به شکوفایی از نظر گاه اخلاق فضیلت و تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر این بعد انسانی

از نظر ارسطو، کافی نیست انسان تنها دارای برخی فضایل شود، بلکه فضایل، در مجموع، باید انسان را به زندگی خوب یا همان شکوفایی نزدیک کند. یکی از شروط مهم برای رسیدن به شکوفایی، زندگی اجتماعی است. این امر به خوبی از گفته‌های ارسطو درباره اهمیت دوستی (9-1155a1) و یا اهمیت علم سیاست (10-1094b6) آشکار است. همچنین ارسطو در توضیح شکوفایی از مفهوم «بسندگی برای خویش» استفاده می‌کند. (۱۰۹۷ الف - ب ۲۰) راس و براون<sup>۱</sup> در توضیح این مفهوم اشاره می‌کنند خود بسندگی به معنای روزمره، به ایده آل زندگی شخص گفته می‌شود که آن شخص به حمایت هیچ کس

۱. شرح و ترجمه اخلاق نیکوماخوس توسط ایشان نوشته شده است، لذا نظر ایشان با منبع ارسطو در پایان پاراگراف ثبت گردیده است.

نیاز ندارد و می‌تواند جمعی از خانواده و دوستان را حمایت کند. ولی ارسطو در این متن معنای این مفهوم را تغییر می‌دهد و منظور او این است که شخص هیچ فضیلتی را از دست ندهد. این امر تنها زمانی رخ می‌دهد که شخص زندگی اجتماعی را تجربه کند. (Aristotle, 2009: 207)

شبکه‌های اجتماعی جدید بر بُعد اجتماعی انسان به شدت تأثیرگذار هستند. با گسترده شدن شبکه‌های اجتماعی، به خصوص کاربرد آنها در تلفن همراه، با کمترین هزینه و کمترین زمان می‌توان با دوستان قدیمی ارتباط برقرار کرد و با شکل‌گیری برخی گروه‌ها با عنوان «همکلاسی‌های سال فلان» یا نام‌هایی مشابه آن بسیاری از دوستانی را که از ما فاصله گرفته‌اند پیدا کرد. همچنین امکان دسترسی روابط بیشتر با دوستان کنونی نیز فراهم می‌شود. برخی روابط خانوادگی نیز که بر اثر سبک زندگی مدرن و دوری فاصله کم‌رنگ شده‌اند می‌توانند مجدداً تقویت گردند. برخی اوقات به خاطر علاقه مشترک به موضوع خاص در گروهی عضو می‌شویم و ممکن است اکثر افراد گروه را نشناسیم، اما به‌طور مرتب تبادل ایده و نظر با آنها خواهیم داشت. اینها تنها نمونه‌هایی از توسعه روابط اجتماعی به سبب پدیدار شدن شبکه‌های اجتماعی است، اما می‌توان گسترده‌گی، شکل جدید، و نوع روابط اجتماعی امروزه را در پژوهش خاصی نشان داد. در نتیجه با فرض درستی اخلاق فضیلت و تأثیر روابط اجتماعی در شکوفایی انسان این فناوری بر زندگی خوب ارسطویی تأثیرگذار خواهد بود.

**دو. اهمیت حکمت عملی و نظری در رساندن انسان به شکوفایی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر این دو حکمت**

یکی از ویژگی‌های مهم اخلاق فضیلت (که والر در نوشته‌های خود کمتر به آن پرداخته است) نقش حکمت نظری و عملی در رساندن انسان به شکوفایی است. ارسطو در *اخلاق نیکوماخوس*، کتاب اول، فصل ششم استدلال کارکرد<sup>۱</sup> مشهور خود را طرح می‌کند. وی نتیجه می‌گیرد شکوفایی انسان عمل «موافق عقل» در عالی‌ترین حد است. استدلال کارکرد اهمیت آگاهی، تفکر و نقش آن در شکوفایی انسان را نشان می‌دهد.

با توجه به اینکه شبکه‌های اجتماعی جدید نقش موثری در رشد آگاهی انسان‌ها دارند، می‌توانند تأثیری بر عقل انسان (عملی و نظری) بگذارند. انتشار فراوان اخبار، تشکیل گروه‌های خاصی با هدف کتاب‌خوانی، فلسفی، علمی، یا گروه‌هایی توسط دانش پژوهان مرکز آموزشی خاص سبب می‌شوند تا تبادل عظیمی از اطلاعات میان انسان‌ها برقرار شود و سطح آگاهی افراد جامعه بالا رود. در شرایط بومی ما نیز از یک سو، تشکیل گروه‌هایی به قصد بررسی آثار مولانا، بیان اشعار، خودشناسی، و از سوی دیگر،

1. The Function Argument.



تبادل پیام‌های آموزشی فراوان درباره نحوه درست زندگی، ارزش احسان، ارزش دوستی، پیام‌های امیدبخش، ویدئوهای تکان دهنده مانند نمایش جنایت‌های داعش یا مجازات زن در خیانت به همسر خود و غیره عامل تغییر ارزش‌ها و باورهای مردم هستند و بدین نحو بر حکمت عملی آنها تأثیر می‌گذارند. در این راستا می‌توان به نوشتارهایی مبنی بر بیان احادیث و یا ضرب‌المثل‌های ایرانی - اسلامی نیز اشاره کرد. مخصوصاً در ایام مبارک میلاد یا عزاداری معصومین ترویج فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اسلامی بیشتر به چشم می‌آید.

لازم به ذکر است که بحث ما به میزان و نحوه تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر حکمت انسان و تفکر او نیست.<sup>۱</sup> تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مؤلفه‌های مهم اخلاق فضیلت (حکمت عملی و نظری) این امکان را به ما می‌دهد که از چارچوب مفهومی اخلاق فضیلت برای ارزیابی شبکه‌های اجتماعی جدید استفاده کنیم. استدلال ما به‌طور خلاصه به قرار زیر است:

یک. در اخلاق فضیلت شرط کافی برای فعل اخلاقی رساندن انسان به ائودایمونیا است؛

دو. ائودایمونیا فعالیت نفس براساس عقل است؛

سه. شبکه‌های اجتماعی بر عقل (نظری یا عملی) انسان تأثیرگذار (مثبت یا منفی) هستند؛

چهار. بنابراین براساس همین تأثیرگذاری می‌توان به ارزیابی شبکه‌های اجتماعی پرداخت.

نتیجه: ساختار مفهومی اخلاق فضیلت امکان ارزیابی شبکه‌های اجتماعی جدید را ایجاد می‌کند.<sup>۲</sup>

سه. اهمیت تکرار رفتارها و عادات انسانی در شکل‌گیری فضایل انسانی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر

### نوع عادات انسان

ارسطو در کتاب دوم اخلاق نیکوماخوس به مباحثی حول ماهیت، نحوه تشخیص، و چگونگی شکل‌گیری فضیلت می‌پردازد. از نظر وی فضیلت اخلاقی به نحو طبیعی در ما وجود ندارد و بر اثر تکرار و عادات شکل می‌گیرد (1103a16-24)؛ همان‌طور که ورزشکار با تمرین و تکرار نیروی بدنی خود را تقویت می‌کند. (1104a36-b1)

با توجه به شکل جدید ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی، بازی‌ها و سرگرمی‌های آنلاین و کار با ابزار شبکه‌های اجتماعی، مانند تبلت، موبایل و لپ‌تاپ بدیهی است عادات‌های خاصی در کاربران به وجود آید.

۱. اینکه شبکه‌های اجتماعی تا چه اندازه بر تفکر و رفتار انسان تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارند می‌تواند موضوع پژوهشی دیگر باشد.

۲. این نکته روش‌شناسی را متذکر می‌شویم که این مدعا (مناسبت اخلاق فضیلت در ارزیابی شبکه‌های اجتماعی جدید) زمانی متقن می‌شود که تحلیل‌هایی بر این اساس صورت گیرد و درستی آنها نشان داده شود. اما گام اول نشان دادن پتانسیل‌های اخلاق فضیلت و امکان ارزیابی توسط آن است.

مطابق با رأی ارسطو این عادات در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی آنها تأثیر بسیاری دارد. این امر به‌خصوص با هشدار ارسطو مبنی بر نحوه رفتار کودکان جدی می‌شود: «بدین جهت باید مراقب باشیم که رفتارمان به گونه‌ی معینی باشد چون سیرت ما از رفتار ما ناشی می‌شود و بسیار فرق می‌کند که از کودکی به چگونه رفتاری عادت کنیم». (1103b20-21)

نحوه شکل‌گیری فضیلت بر اثر عادت و تمرین به طراحان و کاربران شبکه‌های اجتماعی گوشزد می‌کند تا با ایجاد گروه‌ها، سایت‌ها، و قابلیت‌های خاصی در این شبکه‌ها به شکل‌گیری درست شخصیت «انسان آینده» کمک کنند. به‌عنوان مثال، شکل‌گیری گروه‌ها، کمپین‌های خیریه، یا اپلیکیشن‌های مربوط، می‌تواند به افراد کمک کند تا بخشندگی و احسان را تمرین کنند. بنابراین نقش عادت در شکل‌گیری فضیلت قابلیت این چارچوب نظری اخلاق را برای ارزیابی شبکه‌های اجتماعی بالا می‌برد: یک، در اخلاق فضیلت عادات و رفتارهای تکراری انسان در شکل‌گیری فضیلت نقش مهمی ایفا می‌کنند؛

۲. شبکه‌های اجتماعی تأثیر بسزایی بر عادات و رفتارهای انسانی دارند؛

۳. بنابراین می‌توان براساس این تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی جدید را ارزیابی کرد.

نتیجه: ساختار مفهومی اخلاق فضیلت امکان ارزیابی شبکه‌های اجتماعی جدید را ایجاد می‌کند.

اخلاق فضیلت تنها یک طرح کلی از زندگی خوب ارائه می‌دهد و همان‌طور که ارسطو نیز به آن اشاره می‌کند مقتضیات زمان در شکل‌گیری دقیق زندگی اخلاقی و نحوه رفتار انسان‌ها به‌لحاظ اخلاقی نقش مهمی دارد. (1098b2530) بنابراین با در نظر گرفتن این طرح کلی و با توجه به پویایی و تحول‌پذیری روابط اجتماعی انسان‌ها بر اثر حضور شبکه‌های اجتماعی و ارزش‌های کنونی انسان مدرن می‌توان چارچوب اخلاقی فضیلتی کامل‌تر و به روزتر ترسیم نمود.

### فضایل در شبکه‌های اجتماعی

پس از اینکه نشان دادیم چارچوب نظری مناسب، جهت تحلیل شبکه‌های اجتماعی، اخلاق فضیلت است، طرح والر را، به‌عنوان نمونه‌ای از این تحلیل‌ها بیان می‌کنیم و ضمن معرفی و ارزیابی آن قابلیت اخلاق فضیلت در مواجهه با این فناوری نوین آشکار خواهد شد.

### ۳. برنامه پژوهشی والر

والر برای تحلیل شبکه‌های اجتماعی دو پرسش اصلی را پیشنهاد می‌کند. نخست، چگونه روابط در شبکه‌های اجتماعی بر تک تک فضایل انسانی تأثیر می‌گذارد؟ و دوم، شبکه‌های اجتماعی بر زندگی خوب انسانی یا همان ائودایمونیای ارسطویی چه تأثیری می‌گذارند؟

یک. پرسش نخست: فضایل صبر،<sup>۱</sup> درستکاری،<sup>۲</sup> همدلی<sup>۳</sup> در شبکه‌های اجتماعی

فضایل صبر، درستکاری، و همدلی از فضایل اجتماعی و ارتباطی بشری هستند. از این جهت این فضایل در رساندن انسان به زندگی خوب نقش مهمی ایفاء می‌کنند. همچنین شبکه‌های اجتماعی، به دلیل ایجاد شکل جدید ارتباطات بشری و توسعه آنها، می‌توانند بر این فضایل تأثیرگذار باشند. بدین سبب، والر، برای چارچوب اولیه طرح خود، این سه فضیلت را انتخاب می‌نماید. (Vallor, 2010: 164)

#### اول. صبر

از نظر ارسطو فضیلت اخلاقی، حد وسط دو حالت افراطی و تفریطی یک ویژگی در انسان است. صبر نیز حد وسط دو ویژگی افراطی خشم و تفریطی خمودگی و بی‌تفاوتی است. «کسی را که در مورد درست و در برابر شخص درست و به نحو درست و به هنگام درست و به مدت درست خشم می‌گیرد، می‌ستاییم. چنین کسی را باید شکینا نامید». (1125b23-a26)

به نظر می‌رسد شرایط ویژه روابط رو - در - رو<sup>۴</sup> صبر را در انسان تقویت می‌کند. در اکثر موارد، قطع ارتباط در روابط رو - در - رو مستلزم پرداخت هزینه زیادی است و فرد نمی‌تواند به راحتی صحبت طرف مقابل را قطع کند و یا شرایط فیزیکی (مانند مکان) را رها نماید. به‌عنوان مثال نوجوانی را در نظر بگیرید که در خانه پدر بزرگ خود ناچار است بعد از ظهر طولانی را در شرایط نامطلوب و به‌تنهایی سپری کند. علی‌رغم تلاش وی جهت ایجاد سرگرمی، شرایط برای او دردناک خواهد بود و این همان نقطه‌ای است که ارسطو متذکر می‌شود به دست آوردن فضیلت کار دشواری است. بنابراین شخص، علاوه بر انگیزه، به شرایط و موقعیت‌هایی نیاز دارد تا در جهت فضیلت‌مندی قرار گیرد. اغلب، فشارهای اجتماعی مکالمه‌های رو - در - رو منبع مناسبی جهت ایجاد شرایط برای شکل‌گیری صبر هستند. (ibid)

روابط در شبکه‌های اجتماعی، برخلاف روابط رو - در - رو، به راحتی می‌توانند پایان یابند. فرد به سادگی می‌تواند گفتگوی نامطلوب اینترنتی را با ارسال استیکر خاص، تغییر وضعیت خود<sup>۵</sup> به «مشغول»<sup>۶</sup> و یا روش‌های دیگر قطع نماید. بنابراین به نظر می‌رسد این فناوری الگوهای شخصیتی جدیدی را در روابط به وجود می‌آورد که ظاهراً صبر در این الگوها کم‌رنگ خواهد شد. اخیراً، در این راستا، امکاناتی در شبکه‌های اجتماعی به وجود آمده است. اگرچه این فرمت‌ها برای رفع نیاز انسان به صبر کافی نیست، اما با ذکر آنها، به‌طور خلاصه، می‌توان در ایجاد ایده کلی به طراحان شبکه‌های اجتماعی کمک کرد:

1. Vallor: Patience; Ross: Good temper.
2. Honesty.
3. Empathy.
4. Face-to-Face.
5. Status.
6. Busy.

کامنت،<sup>۱</sup> تصدیق نامه،<sup>۲</sup> پک،<sup>۳</sup> آپدیت موقعیت.<sup>۴</sup> ایمیل نیز در مقایسه با شبکه‌های اجتماعی ابزار کندی برای ارتباطات در میان نوجوانان است. بنابراین والر نتیجه می‌گیرد که قابلیت‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی جدید برای رشد صبر در انسان بسیار کم و اندک است و فلاسفه، طراحان، و سایر اندیشمندان این حوزه باید سعی کنند تا راه حلی جهت رشد این فضیلت در روابط جدید انسانی بیابند. (ibid: 166)

#### دوم. درستکاری<sup>۵</sup>

درستکاری (صداقت)، از نظر ارسطو، «در حد وسط کسی است که چه در سخن و چه در عمل همیشه همان می‌ماند که به‌راستی هست، همهٔ صفات و خصوصیات خویش را تصدیق می‌کند و آنها را نه بزرگ جلوه می‌دهد و نه کوچک». (۱۱۲۷ الف ۳۲ - ۱۳)

شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به نحو مثبت و منفی بر درستکاری افراد تأثیر بگذارند. کاربر شبکه‌های اجتماعی، به هنگام درست کردن پروفایل خود، هم می‌تواند آزادانه در مورد جنسیت یا سن یا علاقه مندی‌های خود دروغ بگوید، و هم می‌تواند برخی حقایق را باشهامت بازگو کند. بیان حقایق معمولاً دشوار است؛ چون فرد می‌ترسد متفاوت به نظر برسد، یا دوست داشتن دیگران را از دست بدهد. اما بیان حقایق در شبکه‌های اجتماعی ریسک کمتری به دنبال دارد؛ زیرا افراد بسیاری در ارتباط با شما قرار می‌گیرند و احتمال اینکه کسی شما را با مشخصات واقعی خود بفهمد و دوست داشته باشد بالا می‌رود. بنابراین انتظار می‌رود کاربران راحت‌تر خود واقعی را بیان کنند. (Vallor, 2010: 166)

#### سوم. همدلی<sup>۶</sup>

برخی افراد در معاشرت‌های دوستانه و گفتگوها «برای اینکه در نزد همه کس محبوب شوند همه چیز را می‌ستایند و سخنی برخلاف هیچ عقیده‌ای بر زبان نمی‌آورند» و در مقابل عده‌ای «با هر سخنی مخالفت می‌ورزند و هیچ اهمیت نمی‌دهند به اینکه معاشرانشان آزرده شوند». ارسطو هر دو دسته را سرزنش می‌کند. حد وسط میان اینها «شخصی است که آماده است از دیگران آنچه را درست است بپذیرد و به نحو درست بپذیرد و خلاف آن را رد کند». (۱۱۲۶ ب ۳۵ - ۲۵)

ارسطو واژه مرتبطی با این فضیلت ندارد و از چیزی شبیه به دوستی یا فیلیا<sup>۷</sup> صحبت می‌کند. والر این فضیلت را همدلی می‌نامد؛ همدلی توانایی برای درک احساس دیگری و تمایلی قابل اعتماد برای به

1. The comment.
2. The testimonial.
3. The 'poke'.
4. The status update.
5. Ross: Truthfulness.
6. Ross: Friendliness.
7. Philia.

اشتراک گذاشتن سختی‌ها و خوشی‌ها است. (Vallor, 2010: 167) احساس همدلی ظاهراً در روابط فیزیکی و رو در رو بیشتر شکل می‌گیرد. گاهی با در آغوش کشیدن فرد ماتم زده به سادگی به او اطمینان می‌دهیم که احساس درد او را درک می‌کنیم. گاهی با تشویق کردن و بیان فریادهای هیجان زده با شادی انسان دیگر شریک می‌شویم.

از نظر والر علی‌رغم اینکه این فناوری‌ها ارتباط فیزیکی افراد را کم‌رنگ می‌کند، اما نمی‌توان نتیجه قطعی گرفت که آسیبی برای فضیلت همدلی به حساب می‌آیند؛ (ibid: 168) زیرا شبکه‌های اجتماعی ابزارهای متنوع و گوناگون بسیاری برای بیان احساسات در اختیار ما می‌گذارند. به‌عنوان نمونه، شخص می‌تواند تنها از طریق به اشتراک گذاشتن موسیقی دلخواه خود، یا یک ویدئو، یا چند بیت شعر، احساسات خود را به نحو خوبی بیان کند و دوست او نیز از طریق اینها با وی به خوبی همدلی کند. همچنین این فناوری‌ها قابلیت‌هایی دارند تا همدلی و همدردی از مرزهای جغرافیایی بیرون آید و با تشکیل سایت‌ها یا کمپین‌هایی برای برخی مشکلات اجتماعی در سایر کشورها، مانند بیماری‌های خاص، زلزله‌ها، و جنگ، با باقی انسان‌ها همدلی کنیم. به‌عنوان مثال می‌توان صفحه‌ای بر شبکه‌های اجتماعی تشکیل داد و در آن با ثبت عکس‌هایی از فاجعه منا یا پناهندگان سوری با ایشان، در تمام جهان، همدلی نمود.

نتیجه نهایی والر این است که شبکه‌های اجتماعی تأثیر دو سویه‌ای بر فضایل دارند. به عبارت دیگر این فناوری‌ها می‌توانند به شکل‌گیری صبر، درستکاری و همدلی کمک کنند و نیز از رشد آنها جلوگیری نمایند. این وظیفه فلاسفه و اندیشمندان این حوزه است که با تحلیل‌های فلسفی دقیق قابلیت‌های این شبکه‌ها را نشان دهند و طراحان را از ایجاد امکانات جدید برای حفظ شرایط اخلاقی انسانی آگاه سازند.

#### دو. پرسش دوم: مفهوم دوستی در شبکه‌های اجتماعی

والر (2012) نشان می‌دهد شبکه اجتماعی فیسبوک این قابلیت را دارد تا انسان مدرن را به مفهوم دوستی فضیلت محور ارسطویی نزدیک کند. دوستی در رساندن انسان به «شکوفایی» نقش حیاتی دارد. چهار مفهوم اخلاقی تأثیرگذار در دوستی عبارت‌اند از: تبادل یا پیوند دوسویه،<sup>۱</sup> همدلی،<sup>۲</sup> خودآگاهی،<sup>۳</sup> زندگی مشترک.<sup>۴</sup> (Vallor, 2012: 185-188)

تبادل اخلاقی، از نظر ارسطو، تبادل عشق پایدار، احترام و نیکی میان دو دوست است.<sup>۵</sup> قابلیت‌های موجود در فیسبوک سبب می‌شود تا کاربران شکل‌های مختلفی از تبادل یا پیوند دوسویه را تجربه کنند:

1. Reciprocity.
2. Empathy.
3. Self-knowledge.
4. Shared life.

۵. برای آگاهی بیشتر با دو سویگی مراجعه کنید به بکر. (1986)

تبادل اولیه شامل «درخواست دوستی»<sup>۱</sup> و پذیرفتن متقابل آن، دادن و دریافت کامنت<sup>۲</sup> یا تأیید<sup>۳</sup> در پاسخ به پست دوستان، توانایی برای به اشتراک گذاشتن عکس‌ها و ویدئوها، و فرصتی برای استفاده از برنامه‌های شخص سوم جهت به کارگیری فعالیت‌های دوسویه بیشتر است. اکثر تبادل‌های موجود در فیسبوک به خاطر لذت و سودمندی است؛ بنابراین نمی‌تواند موجب دوستی کامل شود. اما این قابلیت فیسبوک به دوستان واقعی که بر اثر مسائل زندگی از یکدیگر دور شده‌اند، کمک می‌کند تا دوستی خود را حفظ کنند و نیک خواهی و فضیلت را با یکدیگر تبادل نمایند. (Vallor, 2012: 188-189)

در ارتباط با همدلی، علاوه بر توضیحات داده شده (پرسش نخست)، تنها به دو نکته از والر اشاره می‌کنیم: اولاً با توجه به اینکه همدلی در شبکه‌های اجتماعی به شکل‌های متفاوت بروز می‌کند، اگر همدلی، مطابق با ارسطو، نشانه مهمی در دوستی باشد، آنگاه کاربران این شبکه‌ها می‌توانند در درکشان از دوستی واقعی موجه باشند. ثانیاً اگر این روابط به روابط رو - در - رو نیز ختم شود، به شکل کامل‌تری از دوستی خواهند رسید. (ibid: 193)

سومین مفهومی که والر در ارتباط با نقش شبکه‌های اجتماعی در دوستی فضیلت‌مدار بررسی می‌کند خودآگاهی است. خود آگاهی دستاورد شناختی ضروری برای زندگی خوب و بهبود روابط با دیگران به حساب می‌آید. خودآگاهی به معنای شناختن هسته درونی خود نیست؛ بلکه، در معنای ارسطویی آن، این است که فرد نقش خود را در کل جامعه و در ارتباط با دیگران پیدا کند و ویژگی‌هایی لازم برای شکوفایی را بیابد. بدین ترتیب این نوع خودآگاهی یا خودشناسی تنها با دوستی کامل به دست می‌آید. (ibid)

ارسطو معتقد است با توجه به اینکه هرگز نمی‌توانیم با دقتی که دیگران و افعال آنها را می‌شناسیم، خود و اعمال خود را ببینیم، خودشناسی امری بسیار دشوار است و از این رو نیاز به دوست فضیلت‌مندی داریم تا همانند آینه خوبی‌ها و بدی‌های ما را بازتاب کند. (1213a16) و نقش «من دوم» (1169b7) را در زندگی داشته باشد. باید دقت نمود مثال آینه به معنای همانندی و شباهت فراوان با دوست خود است و این شباهت سبب می‌شود شخص ویژگی‌های خود را در او مشاهده کند.

به نظر می‌رسد افراد در شبکه‌های اجتماعی جدید نیز به دنبال «من دوم» هستند. به روز کردن صفحه اجتماعی و پروفایل، شامل علاقه مندی‌ها، گرایش‌های مذهبی، وضعیت دانشگاهی و ...، سبب می‌شود دیگر افراد به شرایط و ویژگی‌های کاربر سریعاً دسترسی داشته باشند. به عنوان مثال به محض اینکه فرد ازدواج می‌کند وضعیت خود را به «متاهل» تغییر می‌دهد، یا اگر در دانشگاهی قبول می‌شود نیز

1. Friend request.
2. Comment.
3. Like.

سریعاً در پروفایل خود اعلام می‌کند. اهمیت دادن اعضا در به روزرسانی مشخصات خود بیانگر این است که آنها در جستجوی انسان شبیه به خود هستند. از نظر والر یافتن این اشتراکات با فرد دیگر نتایج روان‌شناختی مفید و حائز اهمیتی به همراه دارد. مخصوصاً در روابط با دوستان قدیمی، فیس بوک می‌تواند در رسیدن به خودآگاهی به ما کمک کند. (Vallor, 2012: 194-195)

آخرین و مهم‌ترین مسئله‌ای که والر بررسی می‌کند، تأثیر شبکه‌های اجتماعی جدید بر زندگی مشترک است. از نظر ارسطو «برای دوستان زندگی در کنار یکدیگر بزرگ‌ترین لذت‌هاست». (1171b32) زندگی خوب زمانی است که دوستان در چیزهای ارزشمند زندگی شریک شوند. در میان گذاشتن امور رضایت بخش زندگی با دوستان «سبب پیدایی احساس زندگی مشترک» می‌شود. (1172a1-13) پس، به نظر والر، زندگی خوب ارسطویی بدون زندگی مشترک مفهومی تهی است. (Vallor, 2012: 196)

والر، جهت بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر زندگی مشترک دو مفهوم را از یکدیگر جدا می‌کند: اشتراکی زندگی کردن و اشتراک درباره زندگی.<sup>۱</sup> اولین مفهوم به معنای انجام دادن برخی فعالیت‌ها با یکدیگر در زندگی است، اما دومی به معنای اشتراک اطلاعاتی با دیگری درباره زندگی‌مان است. به‌طور بدیهی شبکه‌های اجتماعی جدید کاربرد گسترده‌ای در ارتباط با مفهوم دوم دارند. مثلاً فیسبوک با ابزارهایی مانند «آپدیت وضعیت» درباره افکار و اعمال افراد، عکس‌های خانوادگی در تعطیلات، و گزارش‌هایی درباره آزمون‌های آنلاین نقش مهمی در به اشتراک گذاشتن اطلاعاتی درباره زندگی‌مان با دیگران به عهده می‌گیرد. (ibid)

والر نتیجه می‌گیرد که شبکه‌های اجتماعی جدید به دو روش مبنایی از دوستی‌های فضیلت می‌توانند حمایت و آنها را تقویت کنند و بنابراین زندگی خوب را برای انسان‌ها تسهیل نمایند: «اولاً توسط قادر ساختن تبادل‌های دوسویه و مداوم اطلاعات، سرگرمی، دلگرمی و همدلی با هزینه‌ای کمتر از تبادل‌های رو - در - رو، درحالی که مخصوصاً آن دسته از دوستی‌های فضیلتی را حفظ می‌کنند که ممکن است به مرور زمان توسط فاصله جغرافیایی یا تغییرات مهم دیگر زندگی تهدید شده باشند.» (ibid) چنین تبادل‌های ساده‌ای مطمئناً برای زندگی مشترک براساس فضیلت کافی نیستند، اما لااقل به دوستان ما اجازه می‌دهند که معنای چنین زندگی را حفظ کنند و زندگی به یک مفهوم تهی تبدیل نشود. «ثانیاً برای کسانی که قصد دارند تا در یافتن دوستی عمیق سرمایه‌گذاری و همت کنند، شبکه‌های اجتماعی می‌تواند علی‌الاصول در کشف مبنایی‌ترین ارزش‌ها، باورها، امیدها و تعهدات افراد دیگر به کار رود و این امر پیوند دوستی را تقویت می‌کند و با فراهم کردن خودآگاهی به زندگی خوب فضیلت‌مند کمک می‌کند.» (ibid)

---

1. Sharing lives and sharing about lives.

بنابراین، شبکه‌های اجتماعی توانایی رساندن بشر به ائودایمونیا را دارند. ولی این شبکه‌ها در خلأ رشد نمی‌کنند و زمینه‌های فرهنگی بر روابط افراد تأثیر زیادی می‌گذارند. پس ناکامی بشر به ائودایمونیا، در عصر حاضر، نمی‌تواند به دلیل حضور شبکه‌های اجتماعی باشد؛ بلکه باید سایر عوامل دخیل بررسی گردد. (ibid: 197)

#### ۴. ارزیابی پروژه والر

##### یک. صورت‌بندی استدلال‌های والر

جهت ارزیابی پروژه والر دو استدلال را که خط مشی اصلی پروژه تحقیقاتی وی را شکل می‌دهند، صورت‌بندی می‌کنیم:

##### اول. استدلال اول

یکم. شبکه‌های اجتماعی جدید (رسانه‌های جدید) به‌لحاظ امکانی (علی‌الاصول) قابلیت رساندن بشر به ائودایمونیا را بر عهده می‌دهند (دوستی‌های کامل به‌عنوان بخشی از آن) را دارند.

دوم. چنان‌که دیده می‌شود اکثر دوستی‌ها در این رسانه‌های جدید براساس لذت و سودمندی است. نتیجه آنکه بنابراین عواملی وجود دارد که علی‌رغم قابلیت‌های رسانه‌های جدید، باز هم دوستی‌ها به سمت دوستی‌های فضیلتی نمی‌روند. (به‌عنوان مثال بافت زندگی مدرن از دسته این عوامل است. (2012: 197)

##### دوم. استدلال دوم (اثبات مقدمه ۱)

\* یکم. ائودایمونیا براساس دوستی‌های کامل شکل می‌گیرد (شرط لازم ائودایمونیا دوستی کامل است)؛

\* دوم. دوستی کامل براساس شکل‌گیری برخی فضایل در انسان ممکن است؛

\* سوم. شبکه‌های اجتماعی جدید می‌توانند این فضایل را شکل دهند (به‌عنوان مثال موضوعاتی چون تبادل دوطرفه، همدلی، رسیدن به خودشناسی در این شبکه‌ها شکل می‌گیرد). نتیجه آنکه شبکه‌های اجتماعی می‌توانند علی‌الاصول انسان را به ائودایمونیا برسانند.

##### دو. ارزیابی

در این بخش صرف نظر از اینکه بخواهیم کل پروژه والر را نقد کنیم و یا کنار بگذاریم، جهت روشن شدن نقاط ضعف و قوت طرح به چند ملاحظه اشاره می‌کنیم:

یک. چنان‌که در بخش (برنامه پژوهشی والر) مشاهده کردیم، والر برای درستی مقدمه \* سوم



سعی می‌کند تا به روش تحلیل فلسفی نشان دهد شبکه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری فضایل تأثیر می‌گذارند، از تحلیل فلسفی مذکور تنها می‌توان، به‌طور پیشینی، پیش‌بینی کرد همبستگی‌هایی میان فضایل انسانی و عادات ناشی از به‌کار بردن شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. این همبستگی زمانی قابل قبول است که مشاهدات تجربی نیز حول آن صورت بگیرد. والر متذکر می‌شود پژوهش‌های تجربی در این زمینه به بعد رضایتمندی انسان توجه داشته‌اند و به دنبال یافتن چنین همبستگی‌هایی نبوده‌اند. بنابراین نیاز است تا جهت درستی مقدمه مذکور، روش‌شناسی درستی را برای پژوهشگران تجربی تعیین کنیم. در این روش‌شناسی لازم است تا مفاهیم فضیلت، حکمت عملی، تصمیم‌گیری جهت انتخاب کنش، و تمایل روشن شوند و همچنین مشخص کنیم این مفاهیم به‌لحاظ هستی‌شناسی چه جایگاهی دارند و آیا می‌توان به این هویات دسترسی معرفتی داشت. به عبارت دیگر چگونه می‌توان فضایل را با روشی تجربی بسنجیم. بنابراین بخش عمده‌ای از ادامه پروژه والر مربوط به مباحث فلسفه ذهن، عصب‌شناسی، و علوم‌شناختی خواهد بود.

اگرچه اخلاق فضیلت امکان ارزیابی شبکه‌های اجتماعی را خواهد داشت، اما بدون پژوهش‌های تجربی مذکور، به همراه روش‌شناسی مدون و معتبر برای آنها، هرگز درستی این ارزیابی مشخص نخواهد شد. دو. علی‌رغم اینکه مطابق با مقدمه \* یکم یکی از عوامل در شکل‌گیری اتودایمونیای ارسطویی دوستی است، اما والر همچنان شروط مهم دیگر اتودایمونیای، حکمت نظری و عملی، را بررسی نکرده است. به نظر ما در این راستا باید بررسی شود شبکه‌های اجتماعی جدید تا چه اندازه بر رشد حکمت عملی و نظری مطابق با دیدگاه ارسطویی تأثیر می‌گذارند. همان‌طور که پیشتر (اهمیت حکمت عملی و نظری در رساندن انسان ...) نشان دادیم، تبادل اطلاعات فراوان در این شبکه‌ها، این امکان را مهیا می‌کند که نحوه اندیشیدن و تصمیم‌گیری افراد متفاوت شود. به‌عنوان مثال به شوخی گرفتن گفته‌های انسان‌های مشهور، علی‌رغم اینکه ممکن است این افراد دارای فضایی باشند، انسان‌های آینده اعتماد کمتری به ایشان خواهند کرد. همچنین به شوخی گرفتن برخی رفتارهای ضد هنجاری نیز از این دسته خواهند بود. این نمونه‌ها و نمونه‌های بسیار دیگر این نتیجه را در پی خواهد داشت تا برخی ارزش‌ها در کل جامعه از میان بروند و حتی اگر فرض کنیم انسان آینده انسان راست‌گوتری باشد، با توجه به تغییر نحوه نگرش و ارزش‌های او، هنوز نمی‌تواند به نحو درست تصمیم‌گیری کند و اخلاقی عمل نماید. بنابراین نقش تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر نحوه نگرش انسان، امری که ارسطو با حکمت نظری و عملی بیان می‌کند، در رساندن انسان به شکوفایی و زندگی اخلاقی حیاتی است.

سه. استدلال اول والر نشان می‌دهد که وی از ابتدا بافت و زمینه زندگی مدرن را کنار گذاشته است. اگرچه او در پایان طرح خود یادآور می‌شود که شبکه‌های اجتماعی در خلأ کار نمی‌کنند، اما ظاهراً تحلیل

اخلاقی خود از شبکه‌های اجتماعی را مستقل از عوامل زمینه‌ای در نظر گرفته است. درحالی که از یک استدلال موجه اخلاقی در چارچوب اخلاق فضیلت انتظار می‌رود که بافت و شرایط زمینه‌ای را در نظر بگیرد. چهارم. یکی از نتایج والر این است که شبکه‌های اجتماعی لااقل می‌توانند مفهوم زندگی مشترک را حفظ کنند و از بی‌معنایی و تهی شدن این مفهوم جلوگیری نمایند. این نتیجه حداقلی قابل قبول است، اما آیا این تأثیر حداقلی شبکه‌های اجتماعی در نهایت به ما اجازه می‌دهد تا در استفاده آنها موجه باشیم؟ به نظر می‌رسد فناوری‌های نوین حتی در معیار علاقه به اجتماعی بودن انسان و اشتراک زندگی با دیگران نیز تهدیدکننده باشند. لذا لازم است ضمن پذیرفتن این مزیت حداقلی معایب آن را نیز بررسی کنیم و سپس آن را انتخاب نماییم. مثلاً در فرهنگ ما دید و بازدید خانوادگی عامل مهمی در زندگی خوب است، یا صله رحم یکی از فضایل به حساب می‌آید آیا کار کردن بیش از اندازه با این شبکه‌ها تمایل ما را برای روابط رو - در - رو کم نمی‌کند؟ بدین صورت چگونه می‌توانیم با سالمندان خود همدلی کنیم؟

پنج. اگرچه والر تحلیل‌های دقیقی در حوزه اخلاق هنجاری و فرا اخلاق ارائه داده است و قابلیت‌های اخلاق فضیلت را در تحلیل شبکه‌های اجتماعی بیان می‌کند، آنچه در پروژة والر دیده نمی‌شود، حل چند مسئله عینی شبکه‌های اجتماعی، در حوزه اخلاق کاربردی است. چنان‌که وی اظهار می‌کند مسائل اخلاقی برخاسته از شبکه‌های اجتماعی شامل سه دسته اصلی حریم خصوصی، هویت، دوستی و زندگی خوب می‌شود. (Vallor: 2012) تحلیل‌های والر تنها در حوزه دوستی و زندگی خوب است. اگر اخلاق فضیلت می‌تواند به خوبی مسائل شبکه‌های اجتماعی را حل کند، باید نشان دهیم چگونه در حل مسئله حریم خصوصی و هویت نیز کارایی دارد.<sup>۱</sup>

شش. دلایل والر برای کنار گذاردن پیامدگرایی و وظیفه‌گرایی کافی نیست. البته وی از این امر آگاه است و اشاره می‌کند که «در این مقاله نیازی نیست به ادبیات گسترده بحث میان دیدگاه‌های وظیفه‌گرا، پیامدگرا و فضیلت‌گرا بپردازیم»<sup>۲</sup> (۱۵۹) یا ادعا می‌کند که در اخلاق فضیلت جنبه‌هایی وجود دارد که ضروری است، در حوزه اخلاق فناوری اطلاعات، به‌عنوان یک رویکرد هنجاری مکمل در کنار وظیفه‌گرا و پیامدگرا به کار رود؛ نه اینکه لزوماً جایگزین آنها شود.<sup>۳</sup>

دلیل والر در ضعیف شمردن رویکردهای وظیفه‌گرا و پیامدگرا چنین است: دامنه مسائل ناشی از

۱. چارلز اس تحلیل‌هایی در این زمینه دارد. به پانوشت ۵۴ مراجعه کنید.

2. This is not the place to rehearse the expansive literature debating the relative merits of deontological, consequentialist and virtue-based approaches.
3. I begin the argument by identifying several respects in which virtue ethics is uniquely well-suited to normative inquiries about IT and social networking technologies in particular, making it a necessary complement to, if not a replacement for, existing deontological and consequentialist approaches to IT ethics.

فناوری اطلاعات و شبکه‌های اجتماعی به‌طور خاص، چنان گسترده است که شناسای اخلاقی بدون داشتن فضایل، جهت‌انگیزه درست، و حکمت عملی، جهت تشخیص درست در شرایط زمینه‌ای، نمی‌تواند فعل اخلاقی درست را انتخاب کند. بنابراین عقل عملی وظیفه‌گرا تنها با مراجعه به اصول کلی، بدون قابلیت‌های شناسای فضیلت‌گرا، هرگز نمی‌تواند صدق‌های اخلاقی گسترده در فناوری اطلاعات را تشخیص دهد. همچنین محاسبات پیام‌گرایی نیز در این زمینه ناتوان هستند.

به نظر ما، پروژه مناسب جهت دفاع از اخلاق فضیلت در حوزه فناوری اطلاعات نیاز دارد تا دلایل بیشتری جهت کنار گذاشتن رویکردهای پیام‌گرایی و وظیفه‌گرایی ارائه دهد. اجمالاً به دو دلیل دیگر درباره ناکام ماندن این رویکردهای اخلاقی در تحلیل فناوری اطلاعات (به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی) اشاره می‌کنیم. اول اینکه، محاسبات پیام‌گرایی همواره با این مشکل مواجه می‌شوند که تا چه زمانی و برای چه دامنه‌ای از افراد باید این پیامدها محاسبه شوند. این مشکل در حل مسائل شبکه‌های اجتماعی بیشتر بروز می‌کند؛ زیرا دامنه افرادی که در یک مسئله (مثلاً دانلود رایگان موسیقی) درگیر هستند، بسیار زیاد است و همچنین پیامدهای آن در زمان‌های طولانی ممکن است تغییر کند. دوم اینکه، چنان‌که اس‌متذکر می‌شود،<sup>۱</sup> اگر مطابق با وظیفه‌گرایی به برخی قواعد، ارزش‌ها، یا هنجارهای اخلاقی ثابت قائل شویم، آنگاه تفاوت‌های فرهنگی در جوامع گوناگون از بین می‌رود و با توجه به قابلیت رسانه‌های دیجیتال در ترویج هنجارها، آنگاه خطر امپریالیسم فرهنگی بشر را تهدید خواهد کرد و برخی جوامع قدرتمندتر تصور می‌کنند که باید «راه ما راه همه باشد» (Ess, 2009, Chap4).

##### ۵. خطوط کلی یک برنامه تحقیقاتی بومی

به نظر ما جهت ارزیابی شبکه‌های اجتماعی در شرایط بومی همچنان می‌توان از چارچوب اخلاق فضیلت استفاده کرد و با تأکید بر فضایل اسلامی - ایرانی تحلیل‌هایی نو را ترسیم نمود. عالمان اخلاق در سنت ما، اکثراً اخلاق اسلامی را در چارچوب اخلاق فضیلت به حساب می‌آورند. اگرچه برخی پژوهشگران معاصر تلاش نموده‌اند تا با ارزیابی و مقایسه میان اخلاق اسلامی و اخلاق فضیلت (تبریزی‌زاده، ۱۳۹۳) تمایزهای مهم (اسلامی، ۱۳۸۷) و پیشرفت‌های اخلاق اسلامی (اترک، ۱۳۹۳) را نشان دهند، اما همگی می‌پذیرند که اخلاق اسلامی سه مؤلفه اساسی اخلاق فضیلت را اتخاذ کرده است: غایت‌مداری، فضیلت‌مداری، اعتدال‌مداری.

۱. چنان‌که گفتیم چارلز اس‌پروژه اخلاق کثرت‌گرایانه جهانی را طرح می‌کند. این رویکرد اخلاقی در ساحت هنجاری، فضیلت‌گرایی و اخلاق کنفوسیوس را اتخاذ می‌کند. اس‌به دفاع از اخلاق فضیلت پرداخته است و دلایل محکم‌تری در کنار گذاشتن پیام‌گرایی و وظیفه‌گرایی ارائه می‌دهد. از آنجا که پروژه اس‌طولانی است، ما در مقاله دیگر به معرفی و ارزیابی رویکرد اس‌خواهیم پرداخت.

**غایت‌مداری:** فعل اخلاقی در اخلاق فضیلت‌گرا وظیفه رساندن انسان به شکوفایی را به عهده می‌گیرد. بدین ترتیب هنجارهای اخلاقی ناظر بر فاعل، نه فعل، هستند و عمل اخلاقی سبب می‌شود انسان به غایت خود برسد. اخلاق اسلامی نیز این امر را می‌پذیرد با این تفاوت که غایت انسانی همانند ائودایمونیای ارسطویی تنها فعلیت زیستی و اجتماعی نیست. غایت در اخلاق اسلامی قرب الهی است، اما همچنان ناظر بر فاعل است و هنجارهای اخلاقی از نیت و رشد فاعل اخلاقی نشئت می‌گیرد. (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۹۶ - ۱۹۵)

**فضیلت‌مداری:** در دیدگاه اخلاق فضیلت‌گرا جهت اینکه شخص بتواند به غایت خود نزدیک شود لازم است تا نفس او بر اثر تکرار و عادت دارای برخی فضایل گردد. اخلاق اسلامی نیز بر اهمیت فضایل انسانی تأکید می‌کند. اسلامی (۱۳۸۷) نشان می‌دهد فضایل اصلی در اخلاق اسلامی با فضایل یونانی متفاوت است. به نظر ایشان در آیات قرآن و روایات، فضیلت‌هایی مانند تقوا، ایمان، عفو، خوف از خدا اهمیتی بیش از سایر فضایل دارند؛ برای نمونه، واژه تقوا و مشتقات آن حدود دویست مرتبه در آیات قرآنی آمده و حتی معیار برتری انسان قلمداد شده است. (حجرات / ۱۴؛ به نقل از اسلامی، ۱۳۸۷: ۱۶)

مهم‌تر از همه آنکه اگر در مکتب اخلاقی یونان، رعایت حد وسط به عنوان مبنا و محور فضیلت معرفی شده است، در اسلام برخی از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی مانند تقوا و پرهیزکاری اصلاً حد وسط بردار نیستند.

**اعتدال‌مداری:** فاعل اخلاقی فضیلت‌گرا توسط نظریه حد وسط (اعتدال)، بسته به شرایط موجود، فعل درست را تشخیص می‌دهد. در جهان اسلام نیز در میان فیلسوفان و حکمای اسلامی نظریه اعتدال رواج و گسترش زیادی یافت و حکمای مسلمان با افزودن نکات ابتکاری و جدید صبغه دینی و اسلامی به آن بخشیدند. اترک (۱۳۹۳)، ضمن نشان دادن تطور نظریه اعتدال در نزد حکمای مسلمان، معتقد است دلیل رواج این نظریه در جهان اسلام سازگاری آن با متون دینی و کتاب و سنت بوده است. (اترک، ۱۳۹۳: ۱۳۵) از جمله آیات و روایات که به نظریه اعتدال اشاره دارند عبارت‌اند از: «و دستت را بسته شده به گردنت قرار نده، [و ترک بخشش نکن] و آن [دستانت را برای بخشش] به طور کامل نگشا، تا سرزنش شده [و] درمانده بنشینی.» (اسراء / ۲۹)؛ «وبخورید و بیاشامید، و [لی] زیاده‌روی نکنید» (اعراف / ۳۱)؛ «چپ و راست گمراهی است و راه میانگین راه راست.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اخلاق دینی و بومی ما (البته نه در همه شاخص‌ها، چنان که اشاره شد) متناسب با اخلاق ارسطویی است و چارچوب اخلاق فضیلت‌گرا جهت مواجهه با شبکه‌های اجتماعی، در شرایط بومی، نیز مناسب است؛ با این تفاوت که می‌توان از فضایل ارسطویی عبور کرد. به‌عنوان نمونه

می‌توان تأثیر شبکه‌های اجتماعی را بر فضایل ایرانی - اسلامی مانند امید، شکر، حیا و عفت را ارزیابی نمود. به نظر می‌رسد مشاهده برخی عکس‌ها، ویدئوها و پست‌ها می‌تواند احساس شکرگزاری و امید را در کاربر افزایش دهد. مثلاً عکس یا ویدئویی در گروهی به اشتراک گذاشته می‌شود، محتوای این پست، راجع به بیمار سرطانی است و از اعضای گروه درخواست شده تا کمک‌های مادی و معنوی اهدا کنند. چنین پست‌هایی می‌تواند احساس قدرشناسی و سپاسگزاری فرد را برانگیزد و به مسائلی مانند سلامتی خود که تاکنون بی‌توجه بوده، بیشتر توجه کند. از طرف دیگر، به اشتراک گذاشتن عکس‌ها یا ویدئوهای نامطلوب می‌تواند بر عفت و حیای کاربران تأثیر منفی داشته باشد و برخی ارزش‌ها را، نظیر حفظ پوشش بدنی و کلامی، در کاربران تغییر دهد.

هدف ما، در این پژوهش، تحلیل فلسفی این فضایل و تأثیر شبکه‌های اجتماعی جدید بر آنها نیست، بلکه جستجوی چنین تحلیل‌هایی را، با ارائه طرحی اولیه، به عالمان اخلاق، طراحان شبکه‌های اجتماعی، و کاربران پیشنهاد می‌کنیم. این گونه ارزیابی‌ها این فرصت را فراهم می‌کند تا به شکل منفعل، تحت فرمان فناوری نوین قرار نگیریم و قدرت راهبری آن را نیز به دست آوریم. بنابراین وظیفه ماست تا به این مسائل توجه کنیم: چارچوب نظری اخلاق اسلامی تا چه اندازه‌ای با اخلاق فضیلت متناسب است؟ آیا این تناسب می‌تواند همچنان ما را موجه کند تا از چارچوب اخلاق اسلامی نیز جهت تحلیل و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی استفاده کنیم؟<sup>۱</sup>

در صورتی که پاسخ مثبت باشد، چه طرحی از فضایل ایرانی - اسلامی می‌توانیم رسم نماییم و تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر این فضایل به چه نحو خواهد بود؟ علاوه بر این، حتی اگر تمام تحلیل‌های فلسفی مذکور را به پایان برسانیم بخشی از کار باقی می‌ماند. گام بعدی طراحی یک تحقیق تجربی بومی است؛ در این گام روش شناسی، متغیرهای کیفی و کمی، یافتن هم‌بستگی‌های مورد نیاز مد نظر است. پژوهش‌های تجربی مذکور می‌تواند به اعتبار بخشی تحلیل‌های فلسفی ما کمک زیادی کند. در طراحی پژوهش‌های تجربی لازم است توجه کنیم متغیرهای تجربی مانند شادمانی، رضایت از زندگی، سرمایه اجتماعی، سبک زندگی تا چه اندازه با مفهوم شکوفایی انسان و غایت‌مداری در اخلاق فضیلت تناسب دارد؟

بدین ترتیب این مقاله تنها آغاز راه است؛ زیرا در این پژوهش مناسبات مفهومی میان اخلاق فضیلت و شبکه‌های اجتماعی جدید نشان داده شد. این نوع استدلال صرفاً می‌تواند به ما اجازه دهد تا چارچوب خامی متکی بر اخلاق فضیلت (در شرایط بومی یا غیربومی) رسم کنیم و توسط آن به تحلیل شبکه‌های

۱. اگرچه پاسخ اجمالی ما مثبت است، می‌توان همچنان بررسی‌های دقیق تری انجام داد.

اجتماعی بپردازیم. اگر تحلیل‌های ما متکی بر اخلاق فضیلت صحیح و قابل قبول باشد،<sup>۱</sup> آنگاه با اطمینان بیشتری می‌توانیم ادعا کنیم که رویکرد اخلاق فضیلت چارچوب نظری مناسب برای ارزیابی شبکه‌های اجتماعی نوین است.

### نتیجه

در این مقاله نشان دادیم اخلاق فضیلت به دلیل برخی مناسبات مفهومی می‌تواند چارچوب نظری مناسب جهت ارزیابی شبکه‌های اجتماعی جدید باشد. این مناسبات عبارت‌اند از: انعطاف‌پذیری اخلاق فضیلت، مفهوم فضیلت و نحوه شکل‌گیری آن بر اثر تکرار و عادت، مفهوم حکمت عملی و اینکه این نوع معرفت ناظر بر جزئی‌ها است، مفهوم ائودایمونیا و اهمیت وجه اجتماعی انسان در منظومه اخلاق فضیلت. مفاهیم مذکور با تحول‌پذیری شبکه‌های اجتماعی، تکرار عادات خاص توسط کاربران، گستردگی روابط اجتماعی، بالا رفتن سطح آگاهی و اطلاعات کاربران در مسیر فناوری نوین مناسبت دارد و چنان‌که نشان دادیم این عوامل که همگی دستاورد شبکه‌های اجتماعی هستند، بر مفاهیم نظری اخلاق فضیلت تأثیر بسزایی دارند.

جهت تقویت مدعای خود، علاوه بر نشان دادن مناسبت میان مفاهیم دیدگاه فضیلت‌گرا با عوامل به وجود آمده از شبکه‌های اجتماعی، تحلیل والر را به‌عنوان نمونه‌ای از تحلیل شبکه‌های اجتماعی براساس اخلاق فضیلت‌گرا نقد و ارزیابی کردیم. نکته مهم روش‌شناسی که باید به آن توجه کرد، این است که تحلیل والر، یا تحلیل‌های مشابه در آینده، نیاز به پژوهش‌های تجربی مناسب نیز دارد تا تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر زندگی خوب انسانی کاملاً مشخص شود و تنها به نتایج سودمند گرایانه اکتفا نشود.

در پایان، نشان دادیم به دلیل مشابهت اخلاق اسلامی با اخلاق فضیلت در شرایط بومی نیز ارزیابی شبکه‌های اجتماعی براساس چارچوب فضیلت‌گرا امکان‌پذیر است. لذا می‌توانیم در آینده الگوهای گوناگونی از فضایل مهم در سنت بومی طرح کنیم و تحلیل فلسفی مناسب از فناوری اطلاعات نوین به دست آوریم.

### منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اترک، حسین، ۱۳۹۳، «سیر تطور نظریه اعتدال در اخلاق اسلامی»، پژوهش‌های فلسفی، سال هشتم، شماره ۱۴، ص ۱۴۸ - ۱۳۱.
۳. ارسطو، ۱۳۸۹، اخلاق نیکوماخوس، محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو.

۱. در این مقاله، به‌عنوان نمونه، تحلیل والر از شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اخلاق فضیلت را طرح کرده‌ایم.

۴. اسلامی، سید حسن، ۱۳۸۷، «اخلاق فضیلت مدار و نسبت آن با اخلاق اسلامی»، *پژوهشنامه اخلاق*، شماره ۱، ص ۲۲ - ۱.
۵. تبریزی‌زاده اصفهانی، راضیه و احمد عابدی، ۱۳۹۳، «ارزیابی مقایسه‌ای نظریه اعتدال ارسطویی و نظریه اخلاقی اسلام»، *مجله فلسفه دین*، دوره ۱۱ شماره ۴، ص ۶۴۴ - ۶۱۹.
۶. ثقه الاسلامی، علیرضا، ۱۳۸۸، «رویکردی طبقه‌بندی شده به حوزه اخلاق اطلاعات»، *اخلاق در علوم و فناوری*، شماره ۲ - ۱، ص ۶۶ - ۵۰.
۷. ثقه الاسلامی، علیرضا؛ اکبری، مجید و محسن جوادی، ۱۳۹۳، «اخلاق فناوری اطلاعات مبتنی بر رهیافت موجیت‌گرایی فناورانه»، *اخلاق در علوم و فناوری*، شماره ۴، ص ۱۰ - ۱.
۸. حکیم آراء، محمدعلی؛ شهیر، احسان و طاهر روشن دل اربطانی، ۱۳۹۲، «عوامل مؤثر بر جذب کاربران ایرانی به شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی»، *امنیت ملی*، سال سوم، شماره ۹، ص ۱۶۰ - ۱۳۹.
۹. شقاقی، مهدی؛ وصفی، محمدرضا و محسن جوادی، ۱۳۹۴، «پایه‌های هستی‌شناختی نظریه اخلاق اطلاعات فلورییدی»، *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، شماره ۸۵، ص ۲۹ - ۷.
۱۰. شهریار، حمید، ۱۳۸۵، «اخلاق فناوری اطلاعات» *اطلاعات حکمت و معرفت*، شماره ۶، ص ۱۶۰ - ۱۵۹.
۱۱. شهریار، حمید، ۱۳۸۸، «اخلاق رایانه تاریخچه و کلیات»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، شماره ۴، ص ۸۲ - ۵۵.
۱۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۹، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.
13. Aristotle, 2009, *The Nicomachean Ethics*, Translated by David Ross, Revised with an Introduction and Notes by Lesly Brown, New York: Oxford University Press.
14. Aristotle, 1984, *The complete works of Aristotle*, J. Barnes (Ed), Revised Oxford translation. Princeton: Princeton University Press.
15. Becker, L, 1986, *Reciprocity*, London: Routledge & Kegan Paul.
16. Ess, C, 2006, "Ethical Pluralism and Global Information Ethics", *Ethics and Information Technology*, 8(4): 215-226.
17. Ess, C, 2009, *Digital Media Ethics*, Cambridge: Polity Press.
18. Feenberg, A, 1999, *Questioning Technology*, New York: Routledge, 1999.
19. Hamington, M, 2010, "Care Ethics, Friendship and Facebook", in *Facebook and Philosophy*, D.E. Wittkower (ed), Chicago: Open Court, 135-145.
20. Hursthouse, R, 2009, "Virtue Ethics", in <http://plato.stanford.edu/entries/ethics-virtue>.
21. Vallor, Shanon, 2012, "Flourishing on facebook: virtue friendship & new social media", *Ethics and Information Technology*, 14, 158-199.
22. Vallor, Shanon, 2012, "Social Networking and Ethics", in <https://plato.stanford.edu/entries/ethics-social-networking>.
23. Vallor, Shanon, 2010, "Social Networking Technology and the Virtues", *Ethics and Information Technology*, 12 (2), 157-170.
24. Van den Eede, Y, 2010, "Conversation of Mankind or Idle Talk?: A Pragmatist Approach to Social Networking Sites", *Ethics and Information Technology*, 12(2), p. 195-206.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی